

تحلیل مشخصه‌های فهرستی سعدالسعود و کارکردهای آن در نسخه پژوهی

فرزانه فهیم*

نصرت نیل ساز**

چکیده

فهرست‌نویسی تاریخچه‌ای کهن دارد که کارکردها و شیوه‌های آن متناسب با اغراض گوناگون طی قرون متمادی تغییر کرده است. سعدالسعود، که فهرستی از کتابخانه‌ی شخصی سید بن طاووس است ویژگی‌های منحصر به فرد و متفاوتی با سایر فهرس متعارف و موجود اسلامی دارد. تقارن نگارش این کتاب با دوران حمله‌ی مغول که بسیاری از منابع ارزشمند فرهنگ اسلامی نابود شدند، بر اهمیت آن می‌افزاید. شیوه‌ی تحلیلی - انتقادی آن که با نقل گزیده‌هایی از هر کتاب همراه شده است، موضع سید در برابر آرای سایر مفسران و برخی از آراء و روشهای تفسیری سید بن طاووس را روشن می‌سازد. ذکر دقیق مشخصات هر نسخه، محل دقیق مطالب برگزیده و اشاره به ناکامل بودن برخی نسخه‌ها در آن زمان نقش ارزنده‌ای در نسخه‌پژوهی از زمان سید تا به امروز برای کاربران داشته است. این تحقیق که با روش تحلیل محتوا و مقایسه‌ی مشخصه‌های فهرستی سعدالسعود با دیگر شیوه‌های فهرست‌نگاری از جمله فهرست ابن ندیم، نجاشی و شیخ طوسی صورت گرفته علاوه بر بازشناسی اقدامات سید در حفظ منابع اسلامی، به کارکردهای سعدالسعود در نسخه‌پژوهی و بازسازی آثار مکتوب کهن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: سیدبن طاووس، سعدالسعود، فهرست‌نویسی، میراث مکتوب، نسخه‌پژوهی.

* کارشناسی ارشد علوم قران و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، f55fahim@gmail.com

** استادیار علوم قران و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، nilsaz@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

۱. مقدمه

تاریخچه‌ی فهرست‌نویسی به اندازه‌ی قدمت کتابخانه‌هاست. از زمان پیدایش نخستین کتابخانه‌ها ثبت سیاهه‌ها برای نشان دادن آثار موجود در کتابخانه‌ها مرسوم بوده است. نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی در کتابخانه‌ی آشوربانیپال آشکار ساخته که در سال‌های ۱۶۶۸ تا ۶۲۶ قبل از میلاد مشخصات آثار موجود بر اساس نام اثر، شماره‌ی لوح یا لوح‌های مربوط، تعداد سطرها و همچنین زیر شاخه‌های موضوعی و نمادی از شماره‌ی مربوط به مکان قرار داشتن اثر، روی الواح گلین ثبت می‌شده است. مطالعات تاریخی نیز نشان می‌دهد که تهیه‌ی فهرست از موجودی منابع در کتابخانه‌ی ادفو در مصر، طی سده‌های دوم و سوم قبل از میلاد و نیز در کتابخانه‌ی اسکندریه، در ۲۵۰ ق.م. رواج داشته است. در قرن هجدهم میلادی، فهرست کتابخانه‌ها از شکل سیاهه‌های ساده که موجودی مجموعه‌ها را نشان می‌داد، اندکی فراتر رفت و استفاده از شناسه‌ی نام خانوادگی مؤلف برای تنظیم فهرست و به‌منزله‌ی ابزار بازیابی معمول شد. در همین قرن، برگه‌های چاپی و شناسه‌های تحلیلی نیز کاربرد یافت. (نک. فتاحی، ۱۳۸۵: دایرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی)

در سنت اسلامی نیز فهرست‌نگاری در دوره‌های مختلف و به شیوه‌های متفاوت صورت گرفته است. رویکردی که در گذشته نسبت به فهرست، وظیفه و تعریف آن وجود داشت متفاوت از رویکرد و تعریف امروزی است. پیش‌تر فهرست به معنی سیاهه بود که کتاب‌های موجود در مجموعه‌های شخصی یا تألیفات یک فرد خاص را نشان می‌داد ولی در دوره‌ی معاصر وظیفه‌ی فهرست‌های نسخ خطی علاوه بر نشان دادن کتاب‌های موجود، کمک به جوینده در یافتن کتب خاص با موضوع مرتبط با نیاز جوینده است. (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲/۴۴) این تفاوت در رویکرد و دگرگونی شیوه‌ها، با اغراض متفاوت در قرون متمادی ادامه داشته است. محدثان قرن دوم و سوم پی بردند که دروغ‌گویان همانطور که حدیث جعل می‌کنند کتاب هم می‌نویسند و به دروغ به بزرگان نسبت می‌دهند و گاهی یک فصل یا باب یا بیشتر بر یک کتاب معتبر می‌افزایند یا چیزی از آن کم می‌کنند. این کار در آن روزگار که صنعت چاپ وجود نداشت و نسخه‌های کتاب معدود و بلکه غالباً منحصر به فرد و در انحصار یک شخص بود بسیار آسان بود. علاوه بر این، گاه چند نفر برای کتاب خود یک عنوان انتخاب می‌کردند و این امر باعث می‌شد که کتاب‌های آنان با هم اشتباه شود؛ یا دو نفر در اسم و کنیه مشترک بودند و معلوم نبود کتاب اثر کدام یک از آن‌هاست و چه بسا آن دو نفر از نظر وثاقت با هم تفاوت فاحشی داشتند

(نک. واعظ زاده خراسانی، ۱۳۴۰: ج ۱۸/۵) به همین سبب برخی از دانشمندان علاوه بر آثار خود کتاب‌های دیگران را هم فهرست کردند. در دهه‌های دوم و سوم فهرست‌نویسانی از جمله ابن جبلة (م ۲۱۹)، ابن فضال (م ۲۶۰) و ابن محبوب (م ۲۲۴) به شرح احوال و آثار علمی افراد پرداختند و آثار علمای امامیه را گردآوری کردند. (آغابزرگ: ۸۴، ۹۰، ۹۱) در قرن چهارم ابن غضائری (م ۴۲۵) دو کتاب درباره‌ی تألیفات و آثار شیعه نگاشت که حاوی مصنفات و اصول بوده و متأسفانه از بین رفته است. (طوسی، ۱۳۱۷: ۳۲)

خوشبختانه از قرن چهارم و پنجم سه فهرست مشهور یعنی فهرست ابن ندیم، فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی به دست ما رسیده است. ابن ندیم (م ۳۸۵) فهرست کتاب‌های عرب و عجم را که در رشته‌های گوناگون علمی و همچنین درباره‌ی زبان و خط عربی موجود بود از ابتدای پیدایش هر علم تا سال ۳۷۷ ه.ق گردآوری کرد و اطلاعاتی درباره‌ی مصنفان، طبقات مؤلفان، سلسله‌ی خانوادگی، تاریخ تولد، دوره‌ی زندگانی، زمان وفات آن‌ها، شهرهایی که در آن اقامت داشته و صفات نیکو یا ناپسند آنان ارائه داد (ابن - ندیم، ۱۴۱۷: ج ۷/۱). در این فهرست، نام کتاب‌ها به‌طور دقیق ذکر و در برخی موارد تقسیم بندی فصول و ابواب کتاب، موضوع و محتوای رساله یا کتاب، خصوصیات نسخه و حتی یادداشت‌های بزرگان در پشت نسخه، نقل شده است (نک. عظیمی، ۱۳۸۹: ۸۷/۵۲). اطلاعات جامعی که وی ارائه می‌دهد در نوع خود بی‌نظیر است.

انگیزه‌ی نجاشی از تدوین فهرست پاسخ به ادعای گروهی از مخالفان مبنی بر نبود پیشینه‌ی تألیفات علمی در میان شیعیان، بوده است. کنکاش‌های نجاشی در اسامی، القاب، کنیه‌ها، انساب، قبایل، موالید و وفیات نویسندگان و بیان اختلاف برخی اقوال در این زمینه‌ها در سراسر فهرست مشهود است. (شمشیری، ۱۳۸۵: ۱۰۶) دقت در انتساب آثار به نویسندگان اصلی، بیان آثار مشترک نویسندگان، بیان نسخه‌های مختلف آثار، سالم یا مخدوش بودن آنها، ضعف و قوت سند، تصریح به فقدان کتاب برخی اشخاص، شناساندن راوی یا راویان کتاب‌ها، بیان موضوع و محتوای آثار، بیان طریق و سند تا مؤلفان و آثارشان، تعیین طبقه‌ی مؤلفان، ذکر اصحاب مؤلفان مشهور، شناساندن راویان مؤلفان و محدثان، تردید در آرای موجود درباره‌ی طبقه‌ی مؤلفان، تمیز مشترکات و توضیح و تبیین معانی برخی اصطلاحات و واژگان از دیگر تلاش‌های نجاشی در فهرست است. (همان، ۱۳۸۵:

فهرست شیخ طوسی، مانند فهرست نجاشی ترکیبی از کتابنامه و زندگینامه است. کتاب فهرست با هدف شمارش مصنفان و مصنفات شیعه تألیف شده و در آن اسامی شیعیانی که دارای تألیف بوده‌اند یا نام‌های غیر شیعیانی که برای شیعه کتاب نگاشته‌اند، آمده است. در ضمن، طریق مؤلف به هر کتاب یا اصل هم ذکر شده است و درکنار اطلاعات کتاب‌شناختی، فواید رجالی گوناگونی هم در آن دیده می‌شود. (شمشیری، ۱۳۸۶: ۱۱۴)

عناوین این کتاب بر اساس حروف الفبا و نام صاحبان اثر تنظیم شده است. شیخ طوسی هدف خود از این کار را دسترسی آسان به مطالب ذکر کرده ولی ترتیب زمانی در آن رعایت نشده است. مؤلف کتاب، در ذیل هر عنوان اگر اطلاعاتی درباره‌ی نام، نسب، کنیه، القاب و محل سکونت صاحب اصل یا کتاب او موجود بوده، ارائه کرده، سپس به شخصیت علمی و آثار او پرداخته است. شیخ در مقدمه متعهد شده جرح و تعدیل و مذهب راویان را بیان کند. وی در نگارش فهرست، ضمن معرفی آثار نویسندگان، اسناد خود را به مؤلفان ذکر کرده و حتی گاه اسناد و طرق متعددی را به کتابهای مؤلفان آورده است که شاید بتوان گفت طرق و اسناد شیخ در فهرست کارآمدترین بخش این اثر است. (شمشیری، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

فهرست‌نگاری در سنت اسلامی، در میان شیعه و اهل سنت، با انگیزه‌های مختلف و شیوه‌های متنوع همچنان ادامه داشت تا در قرن هفتم سید بن طاووس با نگارش سعدالسعود، فهرستی با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد و کارکردی بی‌بدیل به یادگار گذاشت. نگارش این کتاب یک سال پس از الإبانة، که فهرستی از کتابخانه‌ی شخصی سید بوده و امروزه در دست نیست، صورت گرفته است. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۶۶)

هدف سید صرفاً معرفی کتاب‌ها نبود بلکه وی در صدد گشودن راهی برای شناخت اسرار کتب و بهره‌مندی از محتوای آن‌ها بود. علاوه بر این، ارزیابی نسخه‌ها، اعلام وقف کتاب‌ها و انگیزه دادن به خوانندگان برای استفاده از هر کتاب از دیگر اهداف وی در نگارش سعدالسعود بوده است. (همان، ۱۳۸۶: ۶۵ و ۶۶) وی با طرحی ابتکاری فهرستی تحلیلی-انتقادی از کتاب‌هایی که در اختیار داشت، برای آیندگان به جا نهاد. این کتاب از سویی بازتاب‌دهنده‌ی آرای تفسیری سید بن طاووس است و از سوی دیگر اندیشه‌های برخی مفسران به نام را برای خوانندگان نمایان می‌سازد. امروزه ردپای برخی از میراث مکتوب مسلمانان، که دیگر اثری از آن‌ها باقی نمانده است، را می‌توان در سعدالسعود یافت. علاوه-براین، ذکر ماهیت فیزیکی کتاب‌ها به همراه جزئیاتی همچون قطع و قالب نسخه‌ها، تعداد

مجلدات و جزءها، جنس و قدمت نسخه‌ها و نوع خط، اطلاعات ارزنده‌ای را به خوانندگان می‌دهد. این تحقیق به منظور پاسخ‌گویی به سه سؤال انجام گرفته است:

۱. نقش سید بن طاووس در حفظ میراث مکتوب چه بوده است؟
۲. مشخصه‌های فهرستی سعدالسعود و تفاوت آن با سایر فهرست‌ها چیست؟
۳. کارکردهای سعدالسعود در نسخه‌پژوهی چیست؟

اگرچه مقالات متعددی در رشته‌ی کتابداری درباره‌ی اصول، فواید و روش‌های فهرست‌نویسی به‌طور کلی و نیز فهرست‌نگاری مسلمانان به‌طور خاص نوشته شده اما تاکنون به اهمیت سعدالسعود در سنت فهرست‌نویسی و کارکردهای مهم آن توجه نشده است. آثاری که تاکنون به سعدالسعود پرداخته‌اند عبارتند از:

۲. کتاب‌ها

۱.۲ کتابخانه سید بن طاووس و احوال و آثار او

اتان کلبرگ، محقق یهودی، در فصل اول کتاب خود به زندگینامه و باورهای عقیدتی سید بن طاووس پرداخته است. فصل دوم این کتاب به منابع فهرست آثار، فهرست‌های پیش از تألیفات ابن طاووس، تاریخ‌گذاری موقت تألیفات و موارد نقل شده از تألیفات وی در آثار بعدی اختصاص دارد. در فصل سوم هم به معرفی کتابخانه‌ی ابن طاووس، روش وی در رجاعات مانند معرفی قطع و قالب کتاب‌ها، تاریخ‌گذاری نسخه‌ها و غیره پرداخته است. طبیعی است که در این کتاب چندین بار از سعدالسعود برای معرفی سایر آثار وی استفاده شده ولی خود سعدالسعود به‌طور مجزا ارزیابی نشده است.

۳. مقاله‌ها

۱.۳ یزدی، علی، «رضی الدین بن طاووس و کتاب سعد السعود»، کتاب ماه دین، مرداد و شهریور ۸۲، شماره ۷۰ و ۷۱.

نویسنده ابتدا درباره‌ی تخصصی بودن سعدالسعود و گلایه از عدم توجه و استفاده از چنین کتابی و اهمیت آن سخن می‌گوید سپس از برخی مأخذ مفقود که سید از آنها مطالبی نقل کرده است، گزارش می‌دهد. در این مقاله فقط از کتاب‌های قاضی عبدالجبار، تفسیر

زید بن علی و ابوالجارود نام برده شده است و علاوه بر این که به سایر جنبه‌های سعدالسعود و به‌ویژه اهمیت آن در فهرست‌نویسی نپرداخته همچنین تعداد کتاب‌هایی که سید بن طاووس استفاده کرده اما امروزه در دسترس نیستند هم بیشتر از این سه منبع است.

۲.۳ مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، «سعد السعود للنفوس المنضود»، بینات، تابستان ۱۳۷۶، شماره ۱۴.

در این مقاله پس از معرفی کوتاه سید بن طاووس، گزارشی در مورد کتابخانه‌ی وی و دو فهرست کتابخانه‌ی سید، سعدالسعود و ابانه، داده شده، سپس ویژگی‌های سعدالسعود را برشمرده و عناوین باب‌ها و فصل‌های کتاب را ذکر کرده و در پایان از چاپ‌های جدید کتاب نام برده است. این مقاله بسیار مختصر بوده و در حد آشنایی اجمالی با محتوای کتاب است.

۳.۳ «کتاب سعد السعود لعلی بن موسی بن محمد طاووس»، مجله الزهراء، المجلد الثانی، شوال ۱۳۳۴ جزء ۱۰.

این متن گزارشی بسیار کوتاه در حد یک صفحه از نامه‌ی شیخ ابو عبدالله زنجانی به عالم جلیل‌القدر احمد تیمور پاشا است و در آن مطالبی درباره‌ی سعدالسعود و کتاب‌هایی که سید بن طاووس در دست داشته، از نسخه‌های قدیمی گرفته تا اناجیل و سنن ادریس آمده است.

۴.۳ نیل‌ساز، نصرت؛ فهیم، فرزانه، «پرتوهای معرفت، بررسی تحلیلی سعدالسعود»، نقد کتاب قرآن و حدیث، پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۱۱.

در این مقاله ساختار سعدالسعود، ابواب آن، اهمیت کتاب و اهداف نویسنده گزارش و بخشی از آرا و مبانی تفسیری سید بن طاووس در قالب ارائه‌ی محتوای کتاب و نقل و نقدهای مؤلف به خواننده معرفی شده است. بدیهی است که در این مقاله جنبه‌ی فهرست‌نویسی مطرح نشده و اهمیت ندارد.

۴. پایان نامه

۱.۴ فهمیم، فرزانه، «بازشناسی کتاب سعدالسعود و تحلیل دیدگاه‌های تفسیری سید بن طاوس در آن»، ۱۳۹۵.

در فصل اول این تحقیق زندگینامه، شخصیت علمی، سیاسی و اجتماعی و تألیفات سید بن طاوس معرفی شده است. در فصل دوم اهداف، اهمیت، ساختار ظاهری و محتوایی کتاب گزارش شده است. در فصل سوم مهم‌ترین آثار و اندیشه‌های شیعی و سنی در سعدالسعود ذکر و انواع موضع‌گیری‌های سید در تأیید و یا رد روش علمی و تفسیری هر مفسر ارائه و سرانجام در فصل پایانی مهم‌ترین آرای قرآنی سید از لابلاهای نقدهای وی بر مفسران دیگر استخراج شده است. در این تحقیق نیز سعدالسعود از نظر فهرست‌نویسی و اکاوی نشده است.

۱.۱.۴ نقش سید بن طاوس در حفظ میراث مکتوب

علی بن موسی بن جعفر بن طاوس در ۱۵ محرم ۵۸۹ در شهر حله به دنیا آمد. وی در خانواده‌ای صاحب فضیلت و جویای علم پرورش یافت. جد مادری سید، ورام بن ابی فراس نخعی، صاحب تنبیه الخواطر و زهره النواظر و جدهی مادری او دختر شیخ طوسی است. پدر سید، ابوابراهیم موسی بن جعفر بن طاوس در هنگام وفات، احادیثی را جمع‌آوری کرده و در صفحات متفرقه نگاشت. سید بن طاوس این نوشته‌ها را در چهار جلد مرتب کرد و برای هر جلد خطبه‌ای نگاشت و آن را فرحه‌الناظر و بهجة الخواطر نامید. این کتاب از اولین تألیفات سید است (آغا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ۱۶۱/۱۶). کلبرگ حدود ۵۲ اثر از سید را معرفی کرده ولی امروزه کمتر از ۳۰ کتاب سید بن طاوس به دست ما رسیده است. بیش‌تر آثار سید در زمینه‌ی دعا و زیارات است از جمله ۱۰ جلد کتاب المهمات و التتمات که هر یک با عنوان مستقل شامل فلاح السائل، زهره‌الربيع، جمال الاسبوع، اقبال الاعمال و غیره چاپ شده است. سید این کتب را به عنوان تتمه‌ی مصباح المتهجد شیخ طوسی نوشته است. مصباح الزائر و المزار دو کتاب دیگر وی در باب زیارت است. از وی فقط المواسعه و المضایقه و غیاث السلطان الوری در زمینه‌ی فقه و شفاء العقول من داء الفضول، الطرائف و الیقین در باب کلام باقی مانده‌اند. کشف المحججه کتاب اخلاقی شامل وصیت‌های سید به فرزندان است که به نوعی بخشی از زندگینامه‌ی سید هم محسوب می‌شود. علاقه‌ی سید به کتاب، حفظ و گردآوری آثار گذشتگان در

برخی نوشته‌های وی مانند سعدالسعود و کشف‌المحججه مشهود است وی علاوه بر نگارش آثار متعدد در زمینه‌های مختلف، به شیوه‌های گوناگون نقش مهمی در حفظ میراث مکتوب اسلامی ایفا کرده است که شرح اقدامات وی در ادامه خواهد آمد.

۲.۱.۴ حفظ کتاب‌ها در حمله مغول

روزگاری که سید در آن می‌زیست از برهه‌های پرتلاطم و آکنده از فتنه‌ی تاریخ تمدن اسلامی بلکه جهان است. در این ایام مغول‌ها سرزمین‌های اسلامی را درنوردیدند و علاوه بر کشتار مسلمانان، نابودی شهرها، ابنیه و مزارع، خسارات بی‌شماری بر فرهنگ و تمدن اسلامی وارد کردند. مغولان را از علم و دانش بهره‌ای نبود، زیرا منطق شمشیر و افتخار به تعداد کشتگان با علم و قلم سازگار نیست. آنها مساجد را تبدیل به طویله‌ی اسبان کردند، کتابخانه‌ها را سوزاندند و از نسخه‌های گرانبها به عنوان سوخت استفاده کردند. قوم مغول آثار زیادی از میراث مسلمانان را به دجله ریختند و ضربه‌ای سخت بر تمدن اسلامی وارد آوردند. مستند آن جمله‌ای در حاشیه‌ی نسخه‌ای از کتاب سنن ابن ماجه، کتابت شده در سال ۵۶۲ هجری است که در کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی در قم نگهداری می‌شود. در این حاشیه، احمد بن محمد بن ابی بکر بن ابی الفوارس گفته است که کتاب را بعد از آن که مغولان، یا به گفته وی تاتارها، بغداد را گرفتند و کتاب‌ها را به دجله ریختند، از آب گرفته و در واقع آن را نجات داده است. فتح بغداد توسط مغولان در سال ۶۵۶ یعنی ۱۰۴ سال پس از تألیف این کتاب بوده است (جعفریان، ۱۳۹۲: وبلاگ شخصی). در دوره‌ی مغول افسار چارپایان را به دست علما و مجتهدان می‌دادند و نه تنها از عالمان و فاضلان حمایتی نمی‌شد بلکه طعمه‌ی شمشیر می‌گشتند. از جمله کاربردهای دانش افراد باسواد این بود که پس از اسارت، کشته‌ها را شمارش نمایند. (کشاوری، ۱۳۵۹: ۲۱۷). جوینی که سال‌ها در دربار ارغون و هولاکو و پسرانش، آباقا و تگودار، صاحب منصب و شاهد بسیاری از رخدادهای آن دوره بود، در این باره می‌گوید:

در میان کشمکش‌ها و تلاطم امواج فتن مراکز علم و ادب خراب شد و مخازن صنعت و ثروت مأوای بوم و غراب گشت، علما و فضلا را همه جا جمعاً مانند گوسفند ذبح کردند، کتابخانه‌ها و کتابخوان‌ها را نیست و نابود نمودند، کسانی که اندکی به علوم و ادبیات اسلامی آشنا باشند تفاوت درجه‌ی فاحشی را که مابین کتب و تألیفات قبل از

استیلای مغول و کتب و آثار بعد از آن نمایان است البته ملاحظه کرده‌اند (جوینی، ۱۳۶۷: ج ۱/۵).

نتیجه اینکه، با توجه به وسعت و سرعت ویرانگری مغولان و با در نظر گرفتن مسئله‌ی یک یا چند نسخه‌ای بودن کتاب‌ها در آن دوران، آثار علمی بسیاری در تهاجم مغولان نابود شد. در این میان سید با مصالحه و مذاکراتی که با هلاکو خان داشت، توانست کتاب‌های گرانباهش را همچون خانواده و شیعیانی که تحت نظر وی بودند از حمله‌ی مغول محفوظ بدارد. این مسئله با توجه به شخصیت گریزان از سیاست و حاکمیت سید اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در زمان مستنصر خلیفه‌ی عباسی بالاترین سمت‌ها به سید پیشنهاد شد ولی وی نپذیرفت (ابن طاووس، ۱۳۷۱ق: ۱۱۰ و ۱۱۱). سید پیشنهاد ابن علقمی، وزیر شیعی عباسیان، برای نیابت وزارت را رد کرد. حتی هنگامی که خلیفه می‌خواست وی را مفتی اعظم ممالک اسلامی اعلام کند، قبول نکرد ولی اگر سید در آن دوره با زیرکی با هلاکو کنار نمی‌آمد، نابودی شیعیان و میراث علمی شیعه در بغداد قطعی بود. هلاکو نقابت شیعیان را به سید سپرد و در ماجرای سقوط بغداد در صفر ۶۵۶ به سید و اطرافیانش امان داد و سید با هزار نفر از یاران خود به حله رفت. هلاکو به مردم حله نیز امان داد و آنها هدایای بسیاری برای هلاکو فرستادند (ابن فوطی، ۱۳۷۶: ۱۹۶).

۳.۱.۴ وقف کتاب‌های کتابخانه

وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسلیم شود. منظور از «حبس نمودن عین مال» نگاه داشتن مال از نقل و انتقال و همچنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد. وقف، واگذاری منافع در راه خداوند، امور خیریه و اجتماعی و از سنت‌های پسندیده‌ی اسلامی در راستای دوراندیشی و تأمین آینده‌ی مسلمانان است. سید بن طاووس تمام کتاب‌های کتابخانه‌اش را به فرزندانش وقف کرد تا با حفظ ماهیت و مفاد کتاب‌ها علم مکتوب در آنها جریان یابد. با توجه به مفهوم وقف و شناختی که سید از فرزندان خود داشت، با وقف کتاب‌ها دومین گام برای حفظ میراث مکتوب مسلمانان توسط سید و خانواده‌ی وی برداشته شد. زیربنای کتابخانه‌ی سید کتاب‌های اهدایی جد مادری وی، ورام بن ابی فراس، بود که سید بعدها با خرید و استتساخ کتب دیگر، بر وسعت و غنای آن افزود (نک. کلبرگ، ۱۳۷۱: ۱۱۷-۱۲۱). وی اعتقاد داشت که خریداری کتاب‌ها برای خدا و به نیت امثال امر الهی به مثابه‌ی زندگی بخشیدن به آنهاست و وقف

کتاب‌ها بر قدر و منزلت آن‌ها می‌افزاید؛ همچنین بهره نبردن از کتاب‌ها و بهره‌مند نساختن دیگران از محتوای آن‌ها، به منزله‌ی مرگ کتاب‌هاست (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۶۶ و ۶۵). سید در طول زندگی خود چندین بار به دلایل سیاسی یا اعتقادی محل زندگی خود را تغییر داد. وی می‌خواست اولین شخصی باشد که در عتبات سه‌گانه‌ی شیعیان با خانواده‌اش زندگی کرده است. (همان، ۱۳۷۱: ۱۱۸ و ۱۱۹) جابجایی کتاب‌های کتابخانه در آن روزگار با سختی‌هایی همراه بوده که وی به دلیل علاقه به کتاب‌ها به جان خریده است.

۴.۱.۴ نگارش و تنظیم سعدالسعود

گام سوم سید در حفظ کتاب‌ها، تألیف سعدالسعود و تهیه‌ی فهرستی از کتاب‌های کتابخانه-اش است. فهرستی که سید بن طاووس از کتابخانه‌ی شخصی خود بر جای گذاشته ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که هنوز هم نمونه‌ای در سنت فهرست‌نویسی برای آن یافت نمی‌شود. (نک. ادامه‌ی مقاله) در این کتاب از کتاب‌های تفسیری، علوم قرآنی و حتی کتب آسمانی پیشین مطالبی نقل شده است. آنچه سعدالسعود را از فهرس دیگر متمایز ساخته، اظهار نظر مؤلف پس از ذکر گزیده‌هایی از هر کتاب است. در فهرست‌های قبل و بعد از سعدالسعود بیش‌تر به معرفی مؤلفان، جرح و توثیق آن‌ها و معرفی آثارشان پرداخته شده است (مانند فهرست نجاشی و شیخ طوسی) و اگر به ندرت قسمتی از مطالب کتابی بیان می‌شود (برای نمونه نک. الذریعه ۲۹۸/۵، ۶۴/۱۰، ۱۶۸/۱۵) درباره‌ی محتوا اظهار نظری صورت نمی‌گیرد. در سعدالسعود اگرچه جرح و توثیق اشخاص جز در چند مورد خاص صورت نگرفته (نک. فهیم: ۱۳۹۵، ۷۶ و ۶۹) ولی با نقل گزیده‌هایی از کتاب‌ها درباره‌ی محتوای برخی از آن‌ها به اجمال یا به تفصیل نظر داده شده است به گونه‌ای که می‌توان از همین اظهارنظرهای سید به‌مثابه‌ی منبعی برای شناسایی آرای قرآنی و مبانی تفسیری وی بهره برد (نک. فهیم، ۱۳۹۵: ۹۸-۱۳۰)

۲.۴ مشخصه‌های فهرستی سعدالسعود

در نگاه اول شباهت چندانی میان سعدالسعود و سایر فهرس وجود ندارد اما با دقت و تأمل بیشتر نه تنها می‌توان سعدالسعود را در گونه‌ی کتاب‌های فهرست گنجاند بلکه جنبه‌های متمایزی در آن مشاهده می‌شود که در فهرس دیگر وجود ندارد. سعدالسعود شامل دو بخش است. بخش اول درباره‌ی پانزده مصحف و چهار کتاب مقدس انبیای پیشین، یعنی

حضرت ادریس، داوود، موسی و عیسی علیهم‌السلام است. در بخش دوم از حدود ۸۰ کتاب تفسیری و علوم قرآنی شیعه و سنی که برخی از آنها در گذر زمان از میان رفته، مطالبی نقل شده است. ترتیب چینش کتاب‌ها بدین ترتیب است: تفاسیر شیعه، تفاسیر اهل سنت و در پایان کتاب‌های غریب‌القرآن، قصص‌القرآن، اسباب نزول، مجازالقرآن، معانی-القرآن بدون جداسازی مؤلفان شیعه و سنی. همچنین لازم به ذکر است که نویسندگان ۱۵ کتاب که سید مطالبی از آنها آورده، به علت افتادگی صفحات آغازین نسخه‌ها نامشخص بوده‌اند.

قسمت آغازین از بخش اول سعدالسعود با گزارش و گزیده‌ای از مصاحفی که در اختیار سید بوده و آنها را به فرزندانش وقف کرده است، شروع می‌شود. سید از میان ۱۵ مصحف با ذکر دو تا سه آیه از هر مصحف بدون اینکه به تفسیر کامل و تفصیلی آیه پردازد، به اجمال درباره‌ی یک یا دو موضوع خاص در آیه بحث می‌کند. عمده‌ی موضوعات مطرح شده در این بخش درباره‌ی توحید و معاد است. قسمت دوم از بخش اول سعدالسعود به ذکر گزیده‌هایی از کتب آسمانی پیشین اختصاص دارد. سید در این بخش، با انتخاب عبارت‌هایی از سنن و صحف ادریس، تورات، زبور داوود و اناجیل اربعه، مطالبی درباره‌ی رسالت انبیاء، فرائض دینی از جمله نماز، روزه، دعا، کمک به دیگران، پند و هشدار درباره‌ی آخرت و قیامت آورده است. (نک. ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۷۱-۱۴۲) در بخش تفاسیر پس از ذکر هر آیه، مطالب برگزیده از هر تفسیر یا با همان لفظ و یا در صورت طولانی بودن، به اختصار ذکر شده و مطالبی در رد یا پذیرش آنها نوشته شده است. سید برای معرفی هر کتاب ویژگی‌هایی ذکر کرده است که با توجه به آنها می‌توان به اطلاعات ارزشمندی دست یافت. برخی از ویژگی‌هایی که سید در معرفی آثار ذکر می‌کند عبارتند از:

۱.۲.۴ اندازه نسخه

سید قالب و قطع نسخه‌ها را در ابتدای معرفی هر کتاب مشخص می‌کند. اندازه‌ی مصاحف موقوفه‌ای که در سعدالسعود نام برده شده، متغیرند. تعبیراتی مانند «یصلح للتقلید» و «قلدته» درباره‌ی مصاحف نشان از کوچکی آنها به منظور استفاده برای جلوگیری از چشم زخم دارد. همچنین از دو مصحف با تعابیر «مصحف معظم مکمل» و «مصحف معظم تام» یاد کرده که آنها را به دخترانش، فاطمه و شرف الأشراف، وقف کرده است. وی

اندازه‌ی صحف ادریس (ع) و زبور داوود (ع) موجود در کتابخانه‌اش را به ترتیب با تعبیر «ربع الورقه الکبیره» و «نسخه صغیره، قالبها ثمن الورقه الکبیره» نشان می‌دهد. دو بار هم از تعبیر «قالب طالبی» برای معرفی نسخه‌ها استفاده می‌کند که منظور از آن دقیقاً معلوم نیست. (همان: ۱۲۰ و ۲۵۳)

۲.۲.۴ قدمت نسخه

از دیگر اطلاعات مفیدی که سید درباره‌ی ویژگی کتاب‌هایش می‌دهد، قدمت نسخه‌هایی است که با تعبیر «عتیقه» از آن‌ها یاد می‌کند. این نسخه‌ها عبارتند از: صحف ادریس، تورات، منازل من القرآن فی رسول الله، تفسیر اهل بیت، تفسیر قرآن و تنزیله، تفسیری که بر روی آن نوشته شده قرأ رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب و الحسن، تفسیر ابی جعفر (ع)، کتاب تفسیر القرآن و تأویله و تنزیله و نسخه و منسوخه و احکامه و متشابهه و زیادات حروفه و فضائله و ثوابه، روایات الثقات عن الصادقین من آل رسول الله، تجزئه القرآن منادی (م ۳۳۶) و غریب القرآن سجستانی (م ۳۳۰). غیر از دو اثر اخیر، نام نویسندگان سایر آثار مشخص نیست. همچنین سید به وجود اجازه‌ای مربوط به سال ۴۰۹ در ابتدای نسخه‌ی کتاب فراء (م ۲۰۷) که در اختیار داشته اشاره و تاریخ مکتوب ابتدای کتاب ما ذهب إليه الملحدون عن معرفته من معانی القرآن قطرب (م ۲۰۶) را نیز همان سال ذکر می‌کند. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۵۹۵ و ۶۱۴)

۳.۲.۴ تعداد اجزاء نسخه‌ها

سید در ابتدای معرفی هر کتاب به تعداد مجلدات، اجزاء موجود در مجلد و تعداد کراس اشاره و سپس هنگام نقل مطالب منتخب به شماره مجلد یا جزء و کراس ارجاع داده است. (همان، ۳۰۱-۲۸۹-۳۰۹-۳۹۱ و موارد متعدد دیگر)

۴.۲.۴ نوشته‌های ابتدای نسخه‌ها

سید برای تشخیص دقیق نسخه‌ها نوشته‌های ابتدای نسخه و حتی یادداشت‌هایی که در ابتدای برخی کتاب‌ها نوشته شده و حاوی مطالبی مانند نام کتاب، نام کاتب یا تاریخ صدور اجازه هستند را به‌طور کامل ذکر می‌کند. هشت موردی که سید به نوشته‌ی روی آن‌ها اشاره کرده است عبارتند از: «علیه مکتوب سنن ادریس و هو بخط عیسی»، «فی أولها ما هذا لفظه من شرح مارالماطران»، «علیه مکتوب کتاب تفسیر القرآن و تأویله و تنزیله و نسخه و منسوخه و احکامه و

متشابه و زیادات حروفه و فضائله و ثوابه و روایات الثقات عن الصادقین من آل رسول اللّٰه «،
«علیه مکتوب فیہ مقرأ رسول اللّٰه ص و علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و علی بن الحسین
و محمد و زید ابنی علی بن الحسین و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر صلوات اللّٰه علیهم
أجمعین»، «علیه مکتوب الأول من تفسیر ابی جعفر محمّد بن علی بن الحسین»، «مجلد لم یذکر
اسم مصنفه أوله عن ابن عباس»، «علیهم إجازة تأریخها سنة تسع و أربعمائه». (برای این موارد به ترتیب نک:
ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۱۳۳۵، ۱۷۱، ۱۳۶، ۳۳۶، ۳۳۷، ۵۱۷، ۵۲۳، ۵۹۵)

۵.۲.۴ چگونگی خط

در معرفی برخی نسخه‌ها کیفیت خط نیز مشخص شده است. مثلاً یکی از ویژگی‌های
مصحفی را که به فرزندش، محمد، وقف کرده «واضح الخط» برشمرده است. همچنین در
بعضی موارد نیز تصریح می‌کند که نسخه به خط چه کسی بوده است. برای مثال در معرفی
سنن ادریس (ع) از جمله مشخصه‌های نسخه‌ای که در دست داشته را «بخط عیسی محرره
نقله من السریانی الی العربی» ذکر می‌کند. (همان: ۱۳۶) نمونه‌ی دیگر تفسیر ابی الحسین
أحمد بن جعفر بن محمّد بن عبداللّٰه المنادی است که سید تصریح کرده نسخه‌ای که از آن
نقل می‌کند، به خط مصنفش بوده است. (همان: ۵۵۳) سید برای شناساندن تفسیری منسوب
به اهل بیت علیهم السلام تعبیر «خطه عتیق» را به کار برده است که احتمالاً قصد داشته
قدیمی بودن نسخه را یادآور شود. (همان: ۳۳۴)

۶.۲.۴ مشخص کردن نام کتاب با جزئیات

در مواردی که نام کتاب ممکن است خواننده را به اشتباه بیندازد یا هنگام نسخه نویسی،
موجب تصحیف شود سید توضیحات دقیقی آورده است مانند تعبیر «تأریح القرآن بالجیم
المنقطه من تحتها نقطه واحدة» در معرفی تأریح القرآن علی بن عیسی بن داود بن الجراح.
(همان، ۱۳۸۶: ۶۱۹). البته در سراسر سعدالسعود تنها همین یک نمونه یافت شده است.

۷.۲.۴ مشخص کردن جنس کاغذ یا جلد

از دیگر نکته‌های ظریفی که سید در معرفی مصاحف و کتاب‌ها بدان توجه داشته تعیین
جنس کاغذ یا جلد آن‌هاست. مثلاً وی از سه مصحف خاتم (همان، ۱۳۸۶: ۱۰۹ و ۱۱۱) و
یک مصحف طلاکاری (همان: ۱۱۹) که وقف کرده است، نام می‌برد. نمونه‌ی دیگر، تفسیری

در فضایل اهل بیت علیهم السلام است که تعبیر «کاغذ عتیق کانه رق او خراسانی»^۱ را درباره‌ی آن به کار برده است.

۸.۲.۴ ارجاع دقیق مطالب

همان‌طور که پیش‌تر آمد سید با نقل گزیده‌هایی از کتاب‌ها درباره‌ی محتوای برخی از آن‌ها به اجمال یا به تفصیل نظر داده است. در همه‌ی این موارد ضمن اشاره به مشخصات دقیق نسخه، تعداد مجلدات، تعداد اجزاء، قدمت نسخه، اندازه و نوع قالب، محل مطلب گزیده را با بهره‌گیری از اصطلاحات خاص تعیین می‌کند. وی در تعیین محل مطالب از اصطلاحاتی چون «کراس، کراسه، وجهه و قائمه» استفاده کرده است. کراس به جزئی از کتاب که غالباً شامل هشتاد برگ است، گویند و کراسه را در شرق، عادتاً و نه همیشه پنج برگ داشته می‌دانسته‌اند، یعنی ده ورق، در حالی که در غرب غالباً مشتمل بر چهار برگ تا خورده یعنی هشت ورق بود (کلبرگ، ۱۳۷۱، پانوشت ۸۳). قائمه، یعنی هر برگ کراسه، (همان: ۱۴۱) اصطلاح «وجهه» برای تعیین پشت یا روی برگ به کار می‌رود. وجهه اولی یعنی روی برگ و وجهه ثانیه یعنی پشت برگ. امروزه ارجاع به نسخه‌های خطی با دو حرف الف و ب و در منابع لاتین با a و b مشخص می‌شوند. همچنین سید شروع و پایان مطلب انتخاب شده از مصاحف را با تعیین سطر نشان داده است.

سید در بعضی موارد از اصطلاح مجلد بجای جزء استفاده می‌کند. مثلاً دو مطلب برگزیده از جوامع الجامع طبرسی را به مجلد اول و دوم اما گزیده‌ی سوم را به جزء سوم ارجاع می‌دهد، که به نظر می‌رسد همان مجلد سوم است چون اولین آیه انتخابی از ده جزء اول قرآن، دومین آیه از ده جزء وسط و سومین آیه از ده جزء آخر انتخاب شده است. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۵۶). سید تصریح می‌کند که این کار برای افرادی که می‌خواهند نسخه‌ی خود را با نسخه‌ی او مقایسه کنند، ضروری است (ابن طاووس، ۱۳۸: ۶۶)

۹.۲.۴ اشاره به چگونگی دستیابی یا عدم دسترسی به برخی نسخه‌ها

از جمله اطلاعاتی که در ارجاع‌دهی و معرفی نسخه‌ها در سعدالسعود به دست می‌آید، نسخه‌های موجود یا مفقود در زمان سید هستند. درباره‌ی نسخه‌هایی که هم اکنون به دست ما نرسیده است، یا در فهرست‌نگاری‌های پس از سید مفقود اعلام شده‌اند، با توجه به گزارش‌هایی که سید از آن‌ها داده، دست‌کم می‌توان نتیجه گرفت که تا قرن هفتم در اختیار

مفسران و محققان بوده‌اند. ردّ برخی نسخه‌هایی که از همان زمان ناقص بوده یا دسترسی سید به آن‌ها آسان نبوده است، را در سعدالسعود می‌توان دنبال کرد. نمونه‌ای از این نسخه‌ها تفسیر بلخی است. سید پس از نقل قسمت‌هایی از مجلد اول تفسیر بلخی، گزیده‌ای از مجلد سوم ذکر می‌کند و هنگام ارجاع یادآور می‌شود که مجلد دوم آن به دستش نرسیده است. (همان: ۴۶۸) مورد دیگر تفسیر کلبی است. سید یک مجلد شامل اجزای ۱۱ تا ۱۹ تفسیر کلبی^۲، مجلد دیگری از ابتدای سوره‌ی محمد (ص) تا آخر قرآن و مجلدی که بعداً یافته و اجزای ۱۸ تا ۲۴ تفسیر کلبی را در برمی‌گیرد، در اختیار داشته است. وی ابتدا از مجلدی نقل می‌کند که حاوی جزء‌های ۱۱ تا ۱۹ است، وی از هر جزء تفسیر کلبی قسمتی انتخاب می‌کند که آیاتی از سوره‌های آل عمران تا انعام را شامل می‌شود. در ادامه‌ی معرفی تفسیر، سید گزیده‌های از مختصر تفسیر ثعلبی و همچنین بخشی از حقایق التفسیر سلمی و بخش دیگری از کتاب زیادات حقایق التفسیر می‌آورد، سپس تصریح می‌کند که مجلد دیگری از تفسیر کلبی، شامل اجزای ۱۸ تا ۲۴، را به‌تازگی به‌دست آورده و چون قبلاً از اجزای ۱۸ و ۱۹ مجلد قبلی مطالبی را نقل کرده است در ادامه از جزء ۲۰ این مجلد مطالبی را برمی‌گزیند. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۴۹۵-۵۱۶) به این ترتیب در سعدالسعود برخلاف شیوه‌ی معمول که تمام مطالب ذکر شده از هر تفسیر پشت سر هم نقل می‌شوند، وقفه‌ای هنگام معرفی تفسیر کلبی پیش می‌آید و چون روش سید سیاه‌نویسی^۳ بوده، احتمالاً قصد داشته که بعدها این نابسامانی را سامان دهد. به هر حال سید با این گزارش، نشان می‌دهد که تمام اجزای بعضی از آثار را در اختیار نداشته و گاه به تدریج اجزای یک اثر را خریداری کرده است.

۳.۴ شیوه‌ی تحلیلی انتقادی سید در بررسی محتوای آثار

سبک نگارش سعدالسعود نشان‌دهنده‌ی ذوق نویسنده و مطالعه‌ی شمار زیادی از کتاب‌ها و توان بالای نقد اوست. اطلاعاتی که سید درباره‌ی هر کتاب می‌دهد از فهرس پیشین، بیشتر است. با توجه به کهن‌ترین آثار یافت شده در فهرست‌نویسی تا زمان سید بن طاووس، معلوم می‌شود شیوه‌ی تحلیلی-انتقادی در میان فهرست‌نویسان رایج نبوده است. بیشترین همت فهرست‌نویسان پیشین معرفی پدیدآورندگان و کتاب‌های آنان بوده و ارائه‌ی اطلاعات رجالی از اهداف اولیه‌ی آن‌هاست (برای نمونه نک فهرست طوسی و نجاشی). واکنش سید در برخورد با هریک از مطالبی که از تفاسیر گزینش کرده، متفاوت است. گاه

اظهار نظرهای سید از حجم تفسیری که از منبع اولیه ذکر شده بیشتر است، برای مثال نسبت نقل قول از جبابی و پاسخ سید به وی یک به ده است. این نسبت درباره‌ی تفسیر عبدالجبار و تفسیر بلخی یک به چهار است ولی در مورد برخی تفاسیر اظهار نظری نمی‌کند. به طور کلی سید پس از نقل گزیده‌ها چهار گونه موضع‌گیری دارد:

۱.۳.۴ سکوت و تأیید

سید در برخی قسمت‌ها فقط گزیده‌ای از کتاب مورد نظر را بدون هیچ‌گونه اظهار نظری نقل می‌کند. این برخورد غالباً در مواردی است که یا مطلب مورد تأیید وی بوده و یا نیازی به توضیح و تکمیل نداشته است. سکوت وی بیش‌تر در مطالب منتخب از مصاحف و مطالبی است که از مفسران شیعه نقل می‌کند. این رویه‌ی سکوت به خصوص در مورد مطالب منتخب از راوندی (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۳۴۲) کلبی (همان: ۴۹۵ تا ۵۱۶) و تفسیر منسوب به امام باقر (ع) (همان: ۳۳۷) بیشتر دیده می‌شود، به طوری که درباره‌ی هیچکدام از قسمت‌های نقل شده از این سه کتاب هیچ اظهار نظری نکرده است.

۲.۳.۴ تکمیل

سید بن طاووس به هنگام نقل مطالب درباره‌ی عقاید شیعی برای تکمیل آن‌ها از آیات قرآن، احادیث و کتب دیگر بهره می‌برد تا به خوبی مطلب را برای خواننده روشن کند. وی با وجود این که بارها از تبیان به عنوان شاهی برای تکمیل یا تصحیح سخن دیگر مفسران بهره برده است، اما غالباً هنگام نقل قطعات منتخب از این کتاب، توضیحاتی در تکمیل سخنان شیخ طوسی افزوده است. همچنین در ادامه‌ی سخن مفسران اهل سنت که مطالبی در فضائل اهل بیت نقل کرده‌اند به توضیحات آن‌ها بسنده نکرده و در تکمیل مطالبی افزوده است. از جالب‌ترین قسمت‌های سعدالسعود که نشان دهنده‌ی ذوق سید و بهره برداری از فضای ایجاد شده و زمینه‌ی مناسب برای هدایت دل‌ها و روشن شدن ذهن‌هاست، استفاده از مطالبی است که ظاهراً به‌طور مستقیم با ولایت امام علی (ع) ارتباطی ندارند ولی سید هوشمندانه بحث را به سمت مفهوم دلخواه خود هدایت می‌کند. از جمله‌ی این موارد، موضوع جانشین پس از پیامبر است که حضرت محمد (ص) آن را در زمان زندگی خود، تعیین کرده و جامعه‌ی اسلامی را بدون سرپرست رها نکرده است. (همان: ۴۶۶) سید پس از نقل گزیده‌ای از تفسیر کشاف ذیل آیه ۱۵۵

اعراف درباره‌ی برگزیدن ۷۰ نفر از بزرگان بنی‌اسرائیل برای میقات در تکمیل و ادامه‌ی بحث، انتخاب این افراد توسط حضرت موسی (ع) را با انتخاب علی (ع) به نص الهی توسط پیامبر مقایسه کرده است. آن‌گاه تصریح می‌کند که در انتخاب امام نمی‌شود بر اختیار امت تکیه کرد، زیرا نتیجه‌ی انتخاب برگزیدگان قوم از میان صالح‌ترین افراد توسط پیامبری بلند مرتبه همچون موسی (ع)، سرانجام به نافرمانی آنان منجر شد. این افراد شرط ایمان را درخواست مشاهده‌ی خداوند با چشم خود قرار دادند و در نهایت خداوند متعال به فسق آن‌ها شهادت داد و چهل سال در بیابان سرگردان شدند (همان: ۳۶۵). سید به شهادت حضرت موسی (ع) به سفاهت این گروه اشاره می‌کند و حاصل چنین انتخابی را ندامت می‌داند.^۴ در عوض اعلام امامت امیرالمؤمنین علی (ع) از سوی خداوند متعال و توسط پیامبر را امری بزرگ دانسته که اهمیت آن بر همگان روشن است. (برای سایر موارد نک ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۲۶۰، ۲۷۹ و ۳۰۸، ۲۸۰ و ۳۷۷)

۳.۳.۴ تصحیح

یکی از روش‌های تعامل سید با مطالب منتخب از تفاسیر، تصحیح مواردی است که به نظر وی نادرست‌اند. تفاوت برخورد وی با اشتباه مفسران با توجه به مذهب آن‌ها کاملاً روشن است. برای مثال سید به هر دو نمونه تفسیر آیاتی که از فقه القرآن راوندی نقل می‌کند اشکال می‌گیرد و اشتباه وی را یادآور می‌شود اما این تصحیح با کمال ادب، تواضع و احترام انجام شده است (همان: ۳۴۸ و ۳۵۰). همچنین هنگامی که در مورد اقسام صبر، که در تبیان از جدش شیخ طوسی نقل می‌کند، نظر موافق ندارد با لحنی متواضعانه گفتار شیخ طوسی را رد می‌کند. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۲۳۹). (برای موارد بیشتر نک. همان: ۵۳۷) تصحیح نظرات مفسران غیرشیعی در قالب مجادله در ادامه‌ی مقاله خواهد آمد.

۴.۳.۴ نقد و مجادله

شدیدترین موضع‌گیری‌های سید را می‌توان در نقد آرای تفسیری اهل سنت و به‌خصوص معتزله مشاهده کرد. بیش‌ترین نقدها و مجادلات سید بن طاووس متوجه‌ی مفسران معتزلی مانند جبایی (م ۳۰۳)، بلخی (م ۳۱۹) و قاضی عبدالجبار همدانی (م ۴۱۵) است؛ وی اغلب، علت کجروی‌ها و اشتباهات در تفسیر را دوری از مراجع اصلی فهم و تفسیر قرآن، یعنی ائمه، بیان می‌کند. از نظر سید، تعصب، عدم آشنایی با زبان عربی، جهل و غفلت از ظاهر و

معنای آیه، از دیگر دلایل به خطا رفتن مفسران در فهم آیات قرآن است. در این میان بیش-ترین حجم نقل و نقدها در سعدالسعود متوجه جبایی شده به طوری که سید یک پنجم کتابش را به تفسیر جبایی و نقد آن اختصاص داده است. ابن طاووس بر خلاف شیوهی معمول خود در سعدالسعود، که درباره‌ی نسب نویسنده‌ی کتاب چیزی نمی‌گوید، با معرفی جبایی و نسبت وی با عثمان علت مخالفت، تعصب و دشمنی وی با خاندان پیامبر را یادآور می‌شود. وی استفاده نکردن جبایی از تفسیر ابن عباس را ناشی از تعصب دانسته است و با تأکید بر شهرت ابن عباس در تفسیر، به کنایه می‌گوید: «گویی نامی از ابن عباس به گوش جبائی نرسیده است». سید نقدهایی گزنده بر روش جبائی در تفسیر هم وارد ساخته است. عدم التزام به تفسیر پیامبر و اهل بیت برای فهم قرآن، تحکم و قطعی دانستن نظر خود، بی‌توجهی به ظاهر و سیاق آیات، غفلت از اجماع و نظرات سایر مفسران، عدم تسلط بر محتوای قرآن و بی‌توجهی به قرائن ناپیوسته، ناآگاهی از زبان عربی و استفاده نکردن از عقل از آن جمله است. (نک فهم، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۵) به‌رغم تلاش زیادی که سید برای نقل و نقد تفسیر جبایی در سعدالسعود کرده است ولی تفسیر او را به علت ناراستی‌ها و نارسایی‌هایی که داشته شایسته‌ی وقف ندانسته و دیگران را از پیروی از آرا و نظرات جبایی منع کرده است. این کار سید نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌ی سید به حفظ کتاب‌هایی است که افکار و آرای صحیح را منتشر می‌کنند و به دیگران می‌آموزد که هر کتابی ارزش خواندن و وقف کردن ندارد.

انتقادات سید بر تفسیر عبدالجبار از انتقادات وارد بر جبایی کمتر است. از نظر سید، عبدالجبار، فردی دنیا طلب، شیفته‌ی ریاست و حریص است. همین عامل وی را از مراجعه به تفسیر اهل بیت که تعلق خاطر وی به مال دنیا نداشته‌اند بازداشته است. به عقیده‌ی سید، تعصب در عقیده باعث شد که عبدالجبار در تفسیر به خطا رود و شایسته بود که برای فهم قرآن به ظاهر قرآن استناد می‌کرد یا شاهدی از زبان عربی می‌آورد و یا آنچه دیگر مفسران استفاده کرده‌اند را بکار می‌گرفت. سید، عبدالجبار و هم مسلکان او را بجای توسل به قیاس و اجتهاد، به مراجعه به تفسیر راسخان در علم یعنی اهل بیت علیهم السلام دعوت کرده است. عبدالجبار به علت تعریف نادرستی که از خبر متواتر داشته و پاسخ بی-اساس به مسیحیان درباره‌ی اعتقاد مسلمانان به زنده بودن مسیح، از سوی سید شماتت شده که چرا با این سخنان، راه طعنه مسیحیان و یهودیان را بر مسلمانان گشوده است. سید معتقد است اخبار نبوت و معجزات پیامبر اسلام نیز متواتر به دیگران رسیده است و در آغاز

رسالت هر پیامبری تعداد پیروان او اندک بوده‌اند. اگر براساس تعریف عبدالجبار از تواتر، تعداد مشخصی در هر طبقه برای نقل خبر متواتر لازم باشد اخبار نبوت و رسالت همه پیامبران زیر سؤال خواهد رفت. از طرفی اگر عبدالجبار اخبار نبوت پیامبران را که با تواتر به نسل‌های بعدی رسیده، پذیرفته است پس باید نص ولایت علی (ع) را هم که به همین شیوه منتقل شده است، قبول کند. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۴۵۷)

سید اعتقاد بلخی به جمع قرآن در زمان پیامبر، عدم زیادت و نقصان در قرآن و حفظ آن از تحریف را ستایش کرده ولی تذکر می‌دهد که چرا بلخی اختلاف قرائت را در تفسیر خود وارد کرده است و «بسم الله الرحمن الرحيم» را جزء سوره نمی‌داند. از سوی دیگر با توجه به موافقت بلخی در اهتمام پیامبر به حفظ و نگارش و جمع قرآن در زمان حیات، سید به وی یادآور شده که حتماً پیامبر جانشینی برای حفظ قرآن و هدایت امت پس از خود برگزیده است. (همان: ۴۶۶) به عقیده‌ی سید، تفسیر قرآن به قرآن به احتیاط نزدیک‌تر است و استفاده از روایات و اجماع دو روش دیگر تفسیری هستند که بلخی در تفسیر به آن‌ها توجه نکرده است. (نک. فهیم، ۱۳۹۵: ۸۱ تا ۸۶) ایراد دیگری که سید به بلخی وارد کرده به دلیل اعتقادات معتزلی او درباره‌ی «فساق مؤمن» است که بلخی مخلد ماندن مؤمنان فاسق در آتش و دوری از بخشایش الهی و شفاعت را باور دارد ولی سید با آیات قرآن اثبات می‌کند که عقیده‌ی بلخی درست نیست. (ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۴۹۹) (برای موارد بیشتر نک. ۵۷۹، ۶۱۶، ۵۹۷، ۵۹۳، ۵۹۲ و موارد متعدد دیگر)

۴.۴ کارکرد سعدالسعود در نسخه‌پژوهی و بازسازی آثار

متون و آثار علمی گذشتگان بخش مهمی از میراث فرهنگی هر ملت محسوب می‌شوند که نسل‌های بعدی می‌توانند از این گنجینه‌ی ارزشمند و گرانبها استفاده کنند. پیشرفت علم در هر رشته‌ای با انتقال، بررسی و پردازش این اندوخته‌ها صورت می‌گیرد. در عین حال از میان رفتن آثار بر اثر حوادث گوناگون طبیعی یا اجتماعی، منازعات فرقه‌ای و غیره نمونه‌های بسیاری در همه‌ی تمدن‌ها دارد. یکی از فواید مهم فهرست‌ها دست‌کم آگاهی از نام کتاب‌هایی است که در زمینه‌های مختلف علوم به رشته تحریر در آمده است. رشد و پایداری علوم قرآنی و تفسیر نیز بر اساس نظر مفسران و دانشمندان طی قرون متمادی شکل گرفته و همواره رو به توسعه و تکامل بوده است. آثار تفسیری بسیاری با رویکردها و گرایش‌های متفاوت نوشته شده‌اند که برخی از این آثار کهن و ارزشمند امروزه در

دسترس نمی‌باشند و لیکن ردّ پای آنها را می‌توان در فهرست‌ها و یا کتاب‌های متأخری که از آنها نقل کرده‌اند پیدا کرد. اهمیت این‌گونه کتاب‌ها در شناخت منابع و دیدگاه عالمان گذشته و شکل‌گیری جریان‌های مختلف تفسیری تأثیر بسزایی دارد. اندیشه‌ی بازیابی متون عربی کهن از درون منابع متأخرتری که از آنها نقل کرده‌اند، دیر زمانی است که محققان معاصر را به تکاپو واداشته است. هرگاه منابع کهن عربی در دسترس قرار گیرند، این امکان فراهم می‌شود تا درباره‌ی ساخت و محتوای این آثار با اطمینان بیشتری تحقیق کرد. آثاری که هرچند اکنون قالب اصلی آنها مفقود است، ولی نویسندگانی که آثارشان موجودند بارها از آنها نقل و گاه قطعات بزرگی از آنها را عیناً رونویسی کرده‌اند. (نک. نیلساز، ۱۳۹۳)

تفاوت سعدالسعود با سایر آثار این است که سید از آثار کهن به مثابه‌ی منبعی برای نوشتن آن استفاده نکرده است بلکه هدف وی نوشتن فهرست آثار قرآنی کتابخانه‌اش و وقف آنها بوده است اما به دلیل شیوه‌ی ابتکاری‌اش در نقل گزیده‌هایی از آثاری که در اختیار داشته در امر بازسازی آثار کهن از دست رفته بسیار کارآمد است. برای مثال اندیشه‌ی احیای تفسیر جبایی با مطالعه‌ی سعدالسعود به ذهن پژوهشگر لبنانی‌الاصل، خضر محمد نبها، خطور کرد. وی استدلال می‌کند که اگر تفسیر جبایی در قرن هفتم موجود بوده و سید بن طاووس در کتاب خود به آن اشاره کرده است، احتمالاً مفسران پیش از سید، مانند شیخ طوسی (م ۴۶۰) و طبرسی (م ۵۴۸)، نیز تفسیر جبایی را در دست داشته و مطالبی از آن نقل کرده‌اند. همچنین مفسران اهل سنت، مانند فخر رازی (م ۶۰۶) و بزرگان معتزله همچون قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵) در آثار خود حتماً از این تفسیر بهره برده‌اند. نبها با مراجعه به کتاب‌های فخر رازی، عبدالجبار، شیخ طوسی و طبرسی درمی‌یابد که آنها با صراحت مطالبی از تفسیر جبایی و آرای وی نقل کرده‌اند. او سرانجام با جمع‌آوری نصوص از مصادر آنها و مقایسه و راستی‌آزمایی مطالب، به ترتیب سوره و آیات، تفسیر جبایی را بازسازی کرد. افزون بر این که حجم مطالب بسیاری که سید از تفسیر جبایی در سعدالسعود نقل کرده تأثیر مهمی در تصمیم نبها داشته است، وی تصریح می‌کند که به علت دقت‌نظر فوق‌العاده‌ی سید در نگارش سعدالسعود، این کتاب می‌تواند نقش مهم و ویژه‌ای در مقایسه‌ی متون و ارزیابی آنها ایفا کند (محمد نبها، ۲۰۰۷، مقدمه).

سعدالسعود در مطالعات نسخه‌شناسی نیز به کار می‌آید و با استفاده از آن می‌توان به تفاوت‌های نسخه‌هایی که تاریخ نگارش آنها پیش یا پس از زمان نگارش آثار در اختیار سید بوده است پی برد.

کارکرد بسیار مهم دیگر سعدالسعود در مطالعات تاریخی و میراث مکتوب کهن، پی بردن به انتسابات نادرست و نیز نامگذاری‌های نسخه‌های خطی و چاپی با محتوای یکسان با عناوین مختلف و اشتباه است. برای نمونه ریپین خاورشناس انگلیسی با مقایسه‌ی ۱۴ نسخه‌ی خطی و چاپی متن تفسیری یکسانی که با عناوین گوناگون مانند تفسیر کلبی، تفسیر الواضح، تفسیر ابن عباس و تنویرالمقباس من تفسیر ابن عباس به افرادی مختلف از قرن نخست تا قرن نهم هجری قمری نسبت داده شده نشان داد که متن این تفاسیر یکی است و فقط اختلافاتی بسیار جزئی که می‌تواند ناشی از اشتباهات نسخه‌برداران یا اشتباهات چاپی باشد، دارند. وی بر اساس شواهد گوناگون نشان می‌دهد که نام اصلی این تفسیر الواضح است. مهم‌ترین شاهد مقدمه‌ی نسخه‌ی خطی موجود در لیدن است. در این مقدمه‌ی کوتاه که در نسخه‌های خطی الواضح در ایاصوفیه وجود دارد، نویسنده خود را عبدالله بن مبارک نامیده و تفسیرش را الواضح. نکته‌ی بسیار مهم دیگر در این مقدمه آن است که نویسنده می‌گوید این تفسیر را از منابع گوناگون گردآوری و برای اهل علم خلاصه کرده است و خوانندگان را برای آگاهی از تفصیل مطالب و رفع دشواری‌های تفسیرش به تفسیر کلبی به روایت یوسف بن بلال ارجاع می‌دهد (نک. نیلساز، ۱۳۹۳: ۳۴۳). یکی از شواهدی که نیلساز برای تعیین وثاقت این مقدمه از آن استفاده کرده بررسی رابطه‌ی الواضح با تفسیر کلبی است. وی نقل‌های به جا مانده از تفسیر کلبی را در منابع مختلف یافته و با الواضح مقایسه کرده و صحت ادعای عبدالله بن مبارک که رابطه‌ی الواضح با تفسیر کلبی را اجمال و تفصیل نامیده، نشان داده است. در میان این منابع مهم‌ترین منبع که بیشترین نقل‌ها از تفسیر کلبی را دربردارد و به‌روشنی نشان می‌دهد که الواضح تلخیصی بسیار موجز از تفسیر کلبی است، سعدالسعود است. (نک. نیلساز، ۱۳۹۳: ۲۰۱-۲۰۴ و پانوش ۱ در ص ۲۰۴)

۵. نتیجه‌گیری

سیدبن طاووس غیر از تألیف آثار ارزشمند در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی در حفظ میراث مکتوب مسلمانان نیز نقشی مهمی ایفا کرده است. برخی از مهم‌ترین اقدامات وی عبارتند از: مذاکره و مصالحه با هلاکو برای حفظ کتاب‌ها و کتابخانه‌اش از گزند آسیب مغولان؛ وقف کتاب‌ها به فرزندان برای کمک به انتقال و انتشار مطالب، شتاب جریان علمی

و نجات آن از خطر سکون و رکود؛ تألیف و تنظیم سعدالسعود با ویژگی‌های خاص و بی‌بدیل.

بی‌بدیل بودن سعدالسعود در میان فهارس قبل و بعد از سید در مشخصه‌های فهرستی آن و شیوه‌ی تحلیلی انتقادی سید در نقل گزیده‌هایی از کتاب‌های پیشین نهفته است. در این میان می‌توان از اطلاعات دقیقی که سید درباره‌ی اندازه، قدمت، تعداد اجزاء، خط، جنس، قالب و قطع نسخه‌ها، نوشته‌های ابتدای نسخه‌ها می‌دهد و همچنین مشخص کردن نام کتاب‌ها با جزئیات و نیز ارجاع دقیق مطالب برگزیده از متون پیشین با اشاره به کراس، قائمه و وجهه، نام برد.

همچنین شیوه‌ی تحلیلی انتقادی سید نسبت به مطالب برگزیده از کتاب‌های مختلف است که به چهارگونه سکوت و تأیید، تکمیل، تصحیح و مجادله است. با توجه به روش سید در نقل گزیده‌هایی از متون پیشین سعدالسعود در مطالعات تاریخی میراث مکتوب، نیز کارکردهای مهمی دارد که از آن جمله می‌توان به کارکرد آن در بازسازی آثار از دست رفته، تفاوت نسخه‌های خطی که قبل یا بعد از عصر سید نوشته شده‌اند با نسخه‌هایی که سید در اختیار داشته و آشکار کردن انتسابات نادرست آثار به عالمان و نیز نام‌گذاری‌های نسخه‌های خطی و چاپی با محتوای یکسان با عناوین مختلف و اشتباه و ارزیابی صحت برخی اطلاعات موجود در نسخه‌های خطی اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. جنس این کاغذ از کتان بود و پدیدآور آن مردمان خراسان بوده‌اند و بنا به گفته‌ای در زمان بنی امیه ساخت این کاغذ از رواج نسبی برخوردار بود.
۲. اجرای تفسیر کلیبی منطبق با اجزای قرآن نبوده است.
۳. این اصطلاح معادل چرکنویسی زمان حال است.
۴. در پایان آیه‌ی ۱۵۵ اعراف استغفار موسی (ع) نشانه‌ی پشیمانی اوست.

کتاب‌نامه

ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۸۶، سعد السعود للنفوس منضود، ۱ جلد، مؤسسه احسن الحدیث، قم.

- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۱ش، کشف المحججه لثمره المهجه، تحقیق شیخ محمد حسون، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، ۱۳۷۶، حوادث الجامعه، دارالغرب الاسلامی.
- ابوعلی، جبایی، ۲۰۰۷م، تفسیر جبایی، تحقیق خضر محمد نبها، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ادوین آریدوویچ گرانوسکی و دیگران، ۱۳۵۹، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، پویش.
- آغا بزرگ طهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳ق، الذریعه الی تصانیف الشیعه، دارالاضواء.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۲، وبلاگ شخصی، [www.khabaronline.ir/detail/301937/weblog/jafarian].
- جوینی، عطاالملک، ۱۳۶۷، تاریخ جهان گشای، ج ۱، به کوشش محمد قزوینی، تهران.
- شمشیری رحیمه، «بررسی روش عمومی شیخ طوسی در کتاب الفهرست»، ۱۳۸۷، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره ۸۱/۳، پاییز و زمستان، ۱۳۵-۱۶۳.
- شمشیری رحیمه، «روش و عملکرد عمومی نجاشی در فهرست»، ۱۳۸۵، علوم حدیث، سال یازدهم، شماره سوم، ۱۰۳-۱۲۷.
- شمشیری رحیمه، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، ۱۳۸۷، مطالعات اسلامی، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۰۹، ۸۰-۱۴۲.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، ۱۴۱۷، الفهرست، تحقیق الشیخ جواد القیومی، بی نا.
- عظیمی، حبیب الله، «نسخ خطی و فهرست نویسی آن در ایران»، ۱۳۸۹، تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، سال چهل و چهارم، شماره ۵۲، ۷۱-۹۲.
- فتاحی، رحمت الله، «فهرست نویسی»، دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، portal.nlai.ir/daka/Wiki%20Pages/fهرستنویسی.aspx.
- فهمیم، فرزانه، ۱۳۹۵، «بازشناسی کتاب سعدالسعود و تحلیل دیدگاه‌های تفسیری سید بن طاووس در آن»، نیل ساز، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- کلبرگ، اتان، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ۱۳۷۱، کتابخانه عمومی آیت الله نجفی مرعشی، قم.
- محمد بن اسحاق، الندیم، ۱۳۵۰، الفهرست، به اهتمام مرحوم رضا تجدد، امیر کبیر، تهران.
- نیل ساز، نصرت، «تبیین و ارزیابی نظریه سزگین درباره شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»، ۱۳۹۳، پژوهش های قرآن و حدیث سال چهل و هفتم پاییز و زمستان شماره ۲، ۳۲۱-۳۴۶.
- نیل ساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس، ۱۳۹۳، علمی فرهنگی، تهران.
- واعظ زاده خراسانی، محمد، تحقیق درباره‌ی کتاب کافی، ۱۳۴۰، آستان قدس رضوی.